



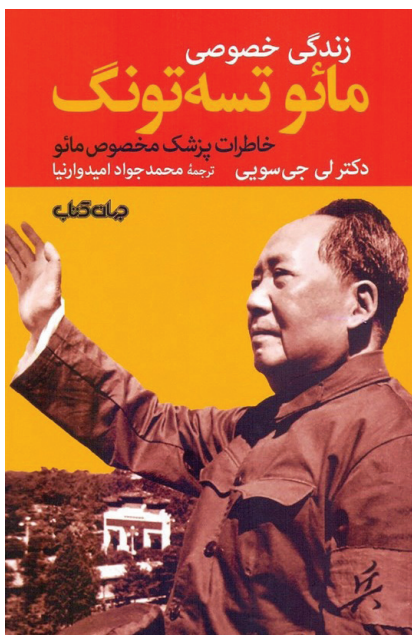
فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۳، تابستان ۹۶

زندگی خصوصی «مائو تسه تونگ»

مریم سیدان^۱

زندگی خصوصی مائو تسه تونگ: خاطرات پزشک مخصوص مائو نوشته لی جی سویی است. محمدجواد امیدوارنیا کتاب را به فارسی ترجمه و انتشارات جهان کتاب به تازگی در قطع رقعی منتشر کرده است. لی جی سویی از نخستین سال‌های پیروزی انقلاب کمونیستی و تأسیس جمهوری خلق چین تا زمان درگذشت مائو (۱۹۷۶ م) پزشک مخصوص مائو بوده است. امیدوارنیا دانش‌آموخته علوم سیاسی از دانشگاه تهران و شهید بهشتی است، دوره دکترای خود را در دانشگاه پکن و در رشته چین‌شناسی و مسائل بین‌المللی چین گذرانده است و به زبان، فرهنگ و تاریخ چین آشنایی و تسلط دارد. درباره مائو تسه تونگ، رهبر انقلاب کمونیستی چین، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در چین نوشته شده است، اما اهمیت این کتاب، همان‌طور که مترجم اشاره کرده، این است که نخستین کتابی است که «چون در خارج از این کشور انتشار یافته، از آزادی بیان و تشریح نکات مثبت و منفی و پندآموز بهره‌مند بوده است» (ص ۷). مترجم این کتاب را با زندگی دوگانه فیدل کاسترو، نوشته محافظ مخصوص او، و نوشته‌های گورباچف درباره لنین رهبر انقلاب سوسیالیستی شوروی مقایسه می‌کند «که در آن‌ها نیز زندگی خصوصی رهبران یادشده با صراحت بیان شده است» (ص ۸). نویسنده کتاب دلیسته حرفه خویش، یعنی پزشکی، است و به‌عنوان شخصیتی سیاسی در کنار مائو حضور نداشته است، جهت‌گیری و نگرش سیاسی و تندروی در کلام او نیست و از این رو - گرچه گاهی به قضاوت می‌پردازد و در مواردی، بیانی انتقادی دارد - توانسته است روایتی صادقانه و منصفانه از زندگی و دوران حکومت مائو عرضه کند.

۱. استادیار دانشگاه صنعتی شریف؛ رایانامه: seyedan@sharif.edu



بنابر نوشته محمد جواد امیدوارنیا، این ترجمه بر گزیده‌ای از بخش‌های مهم و کلیدی کتاب اصلی است (ص ۸).

کتاب علاوه بر پیشگفتار مترجم و نویسنده و صفحه سپاسگزاری، شامل ۲۸ فصل است. بنابر «پیشگفتار نویسنده»، زمانی که دکتر لی جی سویی، به‌عنوان پزشک برای کار در یک شرکت استرالیایی به سیدنی رفته بود، دعوت‌نامه‌هایی برای کار در چین دریافت کرد. هر چند وی از ۱۹۵۴ م تا پایان حیات مائو، سال‌ها پزشک مخصوص او بود، تا ۱۹۵۹ م نتوانسته بود شناختی از زندگی واقعی مائو به دست آورد. اما به‌مرور چهره حقیقی او را شناخت. در این کتاب، جی سویی می‌کوشد چهره حقیقی مائو را برای خوانندگان ترسیم کند. از نظر او، مائو دو چهره متفاوت داشته است؛ در بیرون، آرام و باوقار و آراسته و رهبری جالفتاده و

محبوب بود، اما «در زندگی خصوصی، بسیار بی‌نظم و زن‌باره» (ص ۱۱). جی سویی از ۱۹۵۴ م نوشتن یادداشت‌ها را به صورت تفتنی آغاز کرد، اما به تدریج برای او به امری جدی بدل شد. در ۱۹۶۴ م به خاطر رعب و وحشت و ناامنی دوران انقلاب فرهنگی به ناچار یادداشت‌ها را -که شامل چهل بخش می‌شد- سوزاند. سال‌ها بعد، در ۱۹۷۷ م، یک سال پس از درگذشت مائو، او دوباره شروع به نوشتن خاطرات خود کرد. در ۱۹۸۹ م، یادداشت‌ها را به کتاب بدل ساخت.

نویسنده در فصل نخست، «یادی از گذشته»، لحظه‌های پایانی زندگی، مرگ و نحوه مومیایی کردن جسد مائو، و بعضی رویدادهای مربوط به ماه‌های پس از مرگ وی را شرح می‌دهد. فصل دوم «بازگشت از استرالیا به کشورم» نام دارد و، ضمن آن، نویسنده به نحوه روی کار آمدن کمونیست‌ها در چین و تأسیس جمهوری خلق چین اشاره می‌کند و زندگی خانوادگی، تحصیلی، سیاسی و کاری خویش را، از کودکی تا سال پیروزی کمونیست‌ها در چین، مرور می‌کند. جی سویی شرح می‌دهد که او نیز در آغاز، مانند بسیاری از اهالی چین، دلبسته کمونیسم بود و تصور می‌کرد روشنفکران در حکومت نو، جایگاه مناسبی خواهند داشت، اما با گذشت زمان، دریافت که تصور نادرستی داشته است.

فصل سوم کتاب «اوضاع پکن پس از پیروزی انقلاب کمونیستی» و فصل چهارم «مراسم بنیان‌گذاری جمهوری خلق چین» نام دارد. در این ایام، جی سویی در یک مرکز بهداشتی واقع در خلوتگاه و منطقه حفاظت‌شده حزب کمونیسم مشغول طبابت بود. این دو فصل حاوی نکاتی درباره



وضعیت کارمندان در ماه‌های نخست روی کار آمدن نظام کمونیستی در چین است و نویسنده شرح می‌دهد «شرایط آنچنان نامناسب بود که همسر من نمی‌توانست با من زندگی کند. مجبور بودم آخر هر هفته‌ای برای دیدن او و مادرم به خانه آن‌ها بروم و دوش هفتگی را نیز در همان جا بگیرم. روزانه تنها دو وعده غذا داشتیم که رسم معمول کشاورزان چین است، یکی در ساعت ده صبح و دیگری در ساعت چهار بعد از ظهر» (ص ۴۷). جی سویی روحیه شاد کارکنان به خاطر آنچه آزادی چین (استقرار کمونیسم) نامیده می‌شد و، در عین حال، شرایط سخت و امکانات ناچیز کار در ماه‌های نخست استقرار کمونیسم را وصف می‌کند. با توجه به آنچه در فصل چهارم آمده است، نویسنده کتاب در اول اکتبر ۱۹۴۹ م در مراسم رسمی بنیان‌گذاری جمهوری خلق چین، برای نخستین بار، مائو را از دور می‌بیند. مائو به چشم او و بسیاری دیگر، قهرمان می‌نماید. هیئت و پوشش مائو در آن مراسم به دقت توصیف شده است و نویسنده اذعان می‌کند که مائو برای جمعیت حاضر جاذبه بسیار داشت و گرچه در کانون توجهات بود، «حالتی از شکسته‌نفسی و خودداری از ابراز قدرت» از خویش بروز می‌داد (ص ۵۴). در دسامبر ۱۹۴۹ م، مائو عازم مسکو می‌شود و پس از بازگشت، او و سایر رهبران حزب، از خلوتگاه به کاخ‌های پیشین امپراتوری نقل مکان می‌کنند.

در ۱۹۵۰ م پس از شیوع مالاریا در پکن، مدیر بهداشتی برکنار می‌شود و جی سویی را جای او را می‌نشانند. زندگی جدید طیب از این پس آغاز می‌شود و «مراقبت از سلامتی بسیاری از مقامات عالی رتبه ساکن این مجتمع و خانواده‌های آن‌ها در دیگر نقاط پکن» برعهده او است. با اینکه جی سویی در آن سال‌ها، متقاضی عضویت در حزب کمونیسم و داوطلب پیوستن به اصلاحات ارضی و مشتاق خدمت به انقلاب است، اما در زمان نگارش کتاب، با گذشت سال‌ها، نسبت به این امور دیدگاه دیگری دارد. در جایی از کتاب اشاره کرده است که سال‌ها بعد، دریافت که اصلاحات ارضی یعنی آنچه به‌ظاهر پایان فشار بر کشاورزان و تهیدستان تلقی می‌شد «تا چه حد غیرعادلانه بوده است» (ص ۵۷). به‌علاوه، او در این فصل، تا حدی به زندگی خصوصی مائو، و دیدارش با یکی از همسران و نیز یکی از فرزندان مائو اشاره کرده است. نظم و جدیت کاری پزشک موجب شد که هر چند سابقه فعالیت کمونیستی نداشت و در زندگی اش فارغ از گرایش‌های سیاسی بود، در ۱۹۵۲ م به‌عنوان کارگر نمونه حزب کمونیست معرفی شود و در همان سال، رسماً به عضویت حزب کمونیست چین درآید و مدیریت و نظارت بر بعضی مراکز درمانی به او سپرده شود. در ۱۹۵۴ م، او پزشک مخصوص مائو و سپس، سرپرست گروه پزشکی ویژه او شد.

در فصل ششم، نخستین ملاقات خود با مائو را شرح داده است. این ملاقات در ۱۹۵۵ م در محوطه استخر مخصوص مائو صورت گرفته است. این فصل از خواندنی‌ترین فصل‌های کتاب است و حاوی نکات جالبی درباره روش زندگی مائو است. زندگی حقیقی مائو در تنهایی می‌گذرد و او دوستان و معاشران چندانی ندارد. جی سویی ظاهر و پوشش مائو را وصف کرده است و درباره روند تهیه مواد غذایی برای او، می‌نویسد: «روند خرید مواد غذایی برای مائو بسیار پیچیده و برگرفته از روش اتحاد شوروی و همچنین نزدیک به روش امپراتوران چین بود و زیر نظر و مراقبت شدید گارد مرکزی ...



انجام می‌گرفت» (ص ۷۰). او توضیح می‌دهد که مائو اتاقی برای نگهداری هدایا و لباس‌ها داشت و نویسنده کتاب «قوطی‌های سیگار زیبایی از طلا و نقره» را «که شاه ایران هدیه کرده بود» (ص ۷۱)، در این اتاق دیده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه مائو گرچه به ظاهر طرفدار توسعه طب سنتی چین است، اما خود از داروهای چینی استفاده نمی‌کند و این نشانه نوعی دوگانگی رفتاری و فرهنگی است. در فصل هفتم، مراسم اول ماه مه و آتش‌بازی شرح داده می‌شود. هوشی‌مین، رهبر ویتنام، نیز در این مراسم حضور داشته است. اشاره به این مراسم بهانه‌ای است برای اینکه نویسنده به وصف بعضی مجالس، تشریفات و برنامه‌های دربار مائو بپردازد و نظر مائو نسبت به این گونه مجالس را بیان کند.

حالات روحی مائو نیز به اندازه شخصیت او پیچیده و رازآلود است. بی‌خوابی، بی‌نظمی، وقت‌ناشناسی از جمله مهم‌ترین حالات روحی مائو است که پزشک او در فصل «حالات روحی و روانی مائو» شرح داده است. جی سویی از نگاه یک پزشک به قضیه می‌نگرد و بعضی ناراحتی‌ها، نظیر بی‌خوابی و سردرد و افسردگی و احساس خستگی و عصبانیت، را ویژه نظام کمونیستی تلقی می‌کند. «بیماری‌هایی که حاصل احساس به دام افتادن در یک نظام بسته و بدون راه گریز است» (ص ۸۳).

فصل نهم و دهم خواننده را با پاره‌ای از نگرش‌های سیاسی و علایق مطالعاتی و تاریخی مائو آشنا می‌کند. به‌ویژه، به مسئله اختلاف او با شوروی و نفرت درونی وی از استالین اشاره می‌شود که برای جی سویی شگفت‌انگیز بوده است؛ چراکه مردم چین «شوروی را برادر بزرگ و مدلی برای توسعه سوسیالیستی چین می‌دانستند» (ص ۸۶).

فصل «مائو در سفرهای داخلی» درباره سفرهای مائو و عادات او در سفر است. سفرهای مائو غالباً در خفا و در تدابیر امنیتی و حفاظتی شدید انجام می‌شد. این فصل اطلاعاتی درباره جیانگ چینگ، همسر مائو، دارد. نویسنده این گفته جیانگ را بازگو می‌کند که «هیچ کس، از جمله استالین، نتوانست در مبارزه سیاسی علیه مائو پیروز شود، و همین‌طور هیچ زنی نتوانست عشق او را به خود جلب کند» (ص ۱۰۳).

«تشدید اختلاف‌های مائو و لیو شان‌چی» و «سفر مائو به شوروی» موضوع دو فصل بعدی کتاب است. خروش‌جف در ۱۹۵۷ م از رهبران کمونیست جهان برای شرکت در چهلمین سالگرد بنیان‌گذاری شوروی دعوت کرده بود. پزشک مخصوص مائو در این سفر نیز، نظیر بسیاری سفرهای دیگر، او را همراهی می‌کرد. جی سویی هم مانند مائو، چهره مردم مسکو را بی‌تفاوت و ناراضی یافته است و آن را با شور و حال انقلابی مردم چین در آن سال‌ها مقایسه می‌کند. این فصل درباره مخالفان سیاسی مائو، یعنی راست‌گرایان، و رفتار غیر انسانی نظام کمونیستی چین با آنان، هم مطالبی دارد. آمده است: «به سازمان‌های مختلف دستور داده شده بود تعداد معینی راست‌گرا را معرفی کنند. هر نهادی موظف بود دست کم پنج درصد کارمندان خود را درست یا نادرست، به‌عنوان راست‌گرا معرفی کند و به این ترتیب صدها هزار نفر بی‌دلیل مورد اتهام قرار گرفتند. چه بسیار انسان‌ها که کار خود را از دست دادند، به اردوگاه‌های کار اعزام شدند و در شرایطی اندوه‌بار جان سپردند» (ص ۱۱۴).

در فصل چهاردهم، «نهضت کار اجباری»، درباره طرح‌های بزرگ ذخیره آب و نیز رویکرد



مائو به کارهای بدنی مطالبی آمده است. فصل پانزدهم و شانزدهم، «بیماری همسر مائو» و «دیدار خروشیچف از چین»، کوتاه‌ترین فصل‌های کتاب‌اند. در فصل «نهضت جهش بزرگ به پیش»، بعضی از دیدگاه‌ها و اقدامات مائو برای «تسریع حرکت انتقال از مرحله سوسیالیسم به کمونیسم، ریشه‌کن ساختن فقر، رسیدن به غنا و پیشی گرفتن از انگلستان ظرف پانزده سال» (ص ۱۳۱) شرح داده شده است و فصل بعد، درباره بحران اقتصادی سال ۱۹۵۹ م در چین نکاتی دارد.

چند فصل به مسائل داخلی چین، به ویژه کناره‌گیری مائو از مقام ریاست جمهوری و افزایش قدرت حزبی او، پدید آمدن دو سِمَت جدید یعنی ریاست جمهوری و ریاست حزب، تشدید افراط‌گرایی و مشکلات اقتصادی، و نیز افزایش اختلاف‌نظرهای داخلی اختصاص دارد. با اینکه شانزده سال از انقلاب چین گذشته است، هنوز هم فقر در روستاها پدید می‌کند. به تعبیر جی سویی «روستاهای چین از هزاران سال پیش تغییری نیافته بودند و صحبت از "گام بزرگ به پیش" درباره آن‌ها مضحکه‌ای بیش نبود» (ص ۱۶۷).

در فصل بیست و دوم، نویسنده به انتقاد از نظریه مبارزه طبقاتی مائو می‌پردازد و خواننده را با این پرسش مواجه می‌کند: «حزب کمونیست چه آثار نیک و چه دستاوردهایی داشته است؟ در حالی روستاها و روستاییان را ترک می‌کردیم که فقیرتر از همیشه بودند و صندوق دولت نیز رو به خالی شدن داشت» (ص ۱۷۲).

تمرکز یادداشت‌های فصل بیست و سوم و بیست و چهارم بر سرنگونی لین بیاو، معاون مائو، نزدیک شدن روابط چین و آمریکا است. نظر مائو این بود که «آمریکا برخلاف انگلیس، ژاپن و روسیه که همیشه دنبال اهداف استعماری بوده‌اند، احساس دوستانه‌ای به چین داشته است» (ص ۱۹۲). در توصیف نخستین دیدارهای جی سویی با مائو نیز علاقه مائو به زبان انگلیسی، در مقایسه با روسی، مشهود است.

چهار فصل پایانی کتاب به وخامت حال مائو، مرگ وی، درگیری‌ها بر سر جانشینی او، و سرانجام هجرت لی جی سویی، نویسنده کتاب، به آمریکا اختصاص دارد. در بخش پایانی کتاب، تصویرهایی از مائو، سایر شخصیت‌های نام‌برده در متن کتاب و بعضی صحنه‌ها و حوادث آمده است.

زندگی خصوصی مائو تسه‌تونگ ترجمه‌ای روان دارد و در مجموع، هم توصیفی خواندنی از زندگی، حالات، روحیات و دیدگاه‌های مائو عرضه می‌کند و هم تصویری زنده و گویا از حکومت، جامعه و مردم چین در آن روزگار به نمایش می‌گذارد. به علاوه، نشان می‌دهد که آموزه‌های کمونیسم در مقام نظریه تا عمل چه اندازه متفاوت بوده است. فاصله گرفتن تدریجی رهبر یک نظام کمونیستی - که خود «از خانواده‌ای روستایی آمده بود و زندگی ساده‌ای داشت» (ص ۶۸) - از مردم عادی، و غرق شدن او در دنیای قدرت و لذت در کتاب منعکس شده است. به تعبیر نویسنده، «هرچه حزب بیشتر از فرهنگ و اخلاق دم می‌زد، مائو بیش از پیش در خوشی‌ها و لذات غرق می‌شد» (ص ۱۸۰). زندگی خصوصی مائو تسه‌تونگ علاوه بر معرفی شخصیت و زندگی مائو، خود زندگی نامه دکتر لی جی سویی



هم محسوب می‌شود و خواننده از زندگی خصوصی، کاری و دیدگاه‌های نویسنده نیز آگاه می‌شود. در پایان، خوب است به این نکته هم اشاره کنم که در کنار نقاط قوت بسیاری که کتاب زندگی خصوصی مائو تسه‌تونگ دارد، یکی از ضعف‌های کتاب این است نویسنده گاه به کلی گویی بسنده کرده است، در حالی که خواننده مایل است جزئیات بیشتری بداند. مثلاً، در جایی از کتاب، دربارهٔ مجتمع جونگ نان‌های می‌نویسد: «از هنگامی که کمونیست‌ها بر سر کار آمدند، هیچ کتاب و مقاله‌ای ندیدم که توانسته باشد طراحی داخلی آن را بیان کند» (ص ۵۶)، اما جی‌سویی که سال‌ها در آنجا زیسته است، نیز توصیف دقیقی از جونگ نان‌های پیش روی خواننده نمی‌گذارد. یا در طول کتاب، چندین بار آمده است که مائو کتابی در دست داشت، اما دربارهٔ عنوان یا زمینهٔ کتاب اطلاعی در اختیار خواننده قرار نمی‌گیرد. این ضعف البته شاید به این دلیل است که لی جی‌سویی مطالب کتاب را پس از مرگ مائو و از روی حافظه نوشته است و اگر یادداشت‌های نویسنده از میان نرفته بود، امروز قطعاً توصیفات دقیق‌تر و زنده‌تری از زندگی و روزگار مائو در اختیار داشتیم.